

(32)

بنام مقصود عالمیان

این نامه ایست از مظلوم بسوی مظلومی که از کأس بلا آشامید و از کوب بأساء چشید و ارد شد بر تو آنچه بر ما وارد شد محزون مباش عنایت حق ترا احاطه نمود نجات بخشید حق جل جلاله شاهد و گواه که در کل حین تحت لحاظ بوده و هستی از عاقبت امور احدی الا الله آگاه نه لذا نباید در امورات حادثه مکدر باشی اگر لذت بیان رحمن را بیابی و عنایتش را آگاه شوی خود را بر سریر اطمینان و فرح مشاهده کنی قد بدل الله اضطرابک بالاطمینان و ذلک بالعز انه یکون معک فی کل الاحوال قل

الهی الھی فرج همی بچودک و عطائک و ازل کربتی بسلطنتک و اقتدارک ترانی یا الھی مقبلا الیک حین اذ احاطت بی الاحزان من کل الجهات اسئلك یا مالک الوجود و المهیمن علی الغیب و الشهود باسمک الذی به سخرت الافئدة و القلوب و بامواج بحر رحمتک و اشراقات انوار نیر عطائک ان تجعلنی من الذین ما منعهم شیء من الاشیاء عن التوجه الیک یا مولی الاسماء و فاطر السماء ای رب تری ما ورد علی فی ایامک اسئلك بمشرق اسمائک و مطلع صفاتک ان تقدر لی ما يجعلنی قائما علی خدمتک و ناطقا بثنائک انک انت المقتدر القدير و بالاجابة جدير ثم اسئلك فی آخر عرضی بانوار وجهک ان تصلح اموری و تقضی دینی و حوائجی انک انت الذی شهد کل ذی لسان بقدرتک و قوتک و ذی درایة بعظمتک و سلطانتک لا اله الا انت السامع المجیب